

مهندس عباس ملکی \*

## «ایران و روسیه همسایگان بدون مرز زمینی مشترک»

در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۰

روسیه و ایران هر کدام دارای ویژگیهای خاصی هستند. روسیه به لحاظ وسعت، بزرگترین ارتش را دارا است و دارای مناطقی است که در علوم استراتژیکی heart land یا قلب زمین گفته می‌شود. ایران نیز دارای مرکزیتی است برای آسیای غربی یعنی خاورمیانه و نیز جهان اسلام، دارای منابع بزرگ نفتی و گازی است و آبهای گرم خلیج فارس را در تمام طول مرزهای جنوبی خود دارد.

روابط ایران و روسیه قدمتی تاریخی دارد. اما از اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ یعنی سرآغاز تشکیل دولتهای ملی در ایران و روسیه مرحله مهمی در این روابط آغاز شد. رفتار روسیه از همان ابتدا با ایران رفتاری دوگانه بود: در حالی که روسیه با دولت مرکزی ایران روابط خوبی داشت، در همان حال نیز با حکمرانان محلی در ارتباط مستقیم بود و این یکی از مشکلات در روابط ایران و روسیه محسوب می‌شد.

وصیتنامه پطر کبیر نیز همواره در سیاست خارجی روسیه مورد توجه بود. هر کشوری هر چه بیشتر به قسطنطنیه و هند نزدیک شود می‌تواند دنیا را اداره کند. بزرگترین ضربه نظامی و سیاسی که روسیه به ایران وارد کرد دو جنگی بود که به عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای منتهی شد. اولین جنگ که ۱۰ سال طول کشید و در سال ۱۸۱۳ با عهدنامه گلستان به پایان رسید که طی آن ۱۷ شهر قفقاز، که متعلق به ایران بود، به روسیه واگذار شد.

جنگ دوم که دو سال بیشتر طول نکشید با عهدنامه ترکمانچای (۱۸۲۸) مرزهای فعلی ایران را مشخص کرد. با انقلاب ۱۹۱۷، مواضع لنین تغییرات مهمی در نگرش به روسیه به وجود آمد. در ۱۹۲۷ عهدنامه بی‌طرفی مابین ایران و شوروی منعقد گردید و دو طرف متعهد گشتند عملاً و رسماً در فعالیتهای علیه کشور دیگر شرکت نکنند. در

۱۹۴۰ قرارداد بازرگانی بین ایران و شوروی منعقد گردید که حق کشتیرانی آزاد در دریای مازندران برای دو طرف به تصویب رسید. در ۱۹۶۴ یک موافقتنامه هوایی بین ایران و شوروی در خصوص تعیین محدود منطقه پرواز به امضاء رسید. در ۱۹۶۶ قرارداد ساخت ذوب آهن منعقد شد و در سال ۱۹۷۰ قرضیه خط لوله گاز امضا شد و ایران خریدهای نظامی را آغاز کرد و در سال ۱۹۷۲ یک پیمان ۱۵ ساله فنی اقتصادی بین دو کشور بسته شد.

در دوران جنگ نیز که عراق یکی از متحدان نزدیک شوروی بود روابط شوروی با ایران در سطح خوبی نبود. اواخر سال ۱۹۸۶ روابط رو به بهبود رفت. شورویها از سال ۱۹۸۷ اعلام کردند گاز بیشتری از ایران خواهند خرید. در همان سال نیز با تحریم ایران در شورای امنیت مخالفت کردند. در نوامبر سال ۱۹۹۱ سفر آقای ولایتی به مسکو همراه با قراردادهایی بین دو طرف بود. یکی از قراردادهای مهم این بود که در کل مرزهای ایران و شوروی دو طرف بتوانند تا عمق ۴۵ کیلومتری در مرزهای همدیگر رفت و آمد کنند، البته بدون ویزا و تنها با تأیید فرمانداربهای محلی. تمام تحولات بعدی در روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به خاطر این مجوز بود.

بدون هیچ تردیدی، فروپاشی شوروی بزرگترین حادثه تاریخی در سیاست خارجی ایران است. در مرزهای شمالی ایران کشورهای به وجود آمدند که همه آنها متأثر از فرهنگ ایرانی هستند و اکنون این مردم حایل بین روسیه و ایراناند.

نکته ای که در حال حاضر باید مورد توجه قرار گیرد این است که چه نظری روسیه و ایران نسبت به هم دارند.

در خصوص نخبگان روسیه ۵ گروه وجود دارند:

۱. گروهی طرفدار سرسخت غرب هستند و روسیه را Euroatlantic می نامند و عقیده دارند که باید با آمریکا و اروپا یکی شوند. نتیجه آنکه با کشورهای خاورمیانه و ایران کاری ندارند.

۲. گروه دیگر غربگرایان واقع بین هستند، آنهایی که قبول دارند روسیه هم جزء اروپاست و هم جزء آسیا و روابط با غرب اولویت می دهند اما آن را مرجع نهایی در کارهای روسیه نمی دانند. این گروه معتقد است تا زمانی که منافع روسیه ایجاب می کند با

ایران رابطه داریم ولی زمانی که غرب خیلی فشار آورد ما کنار می‌آییم.

۳. گروه بعدی، دموکراتهای واقع بین هستند که می‌گویند منافع سیاسی - اقتصادی روسیه اولویت دارد. هر جا آن منافع ایجاب کرد ما می‌رویم و آنها را به دست می‌آوریم، و ممکن است مواقعی پیش آید که این منافع با منافع غرب در تضاد باشد.

۴. چهارمین گروه تولید کنندگان روسی هستند که بسیاری از آنها همان کمونیستهای سابق می‌باشند. آنها به منافع مالی توجه می‌کنند. به عقیده آنها ایران از نظر مالی وضع خوبی دارد.

۵. آخرین آنها، طرفداران ایران هستند. تعدادی از آنها ضد آمریکایی هستند.

در مقابل این گروهها در تهران سه بخش وجود دارد: در بخش اول کسانی می‌باشند که روسیه را شریک و متحد استراتژیک ایران می‌دانند. این اشخاص معتقدند آن تکنولوژیهایی که غرب به ما نمی‌دهد روسیه می‌تواند در اختیار ما بگذارد، و به روسیه به چشم یک بازار وسیع برای ایران نظر دارند.

بخش دوم کسانی هستند که می‌گویند علی‌رغم اینکه روسیه کشور بزرگی است، همسایه ایران نیز می‌باشد، اما توانایی برای روابط همه جانبه با ایران را ندارد و اگر بخواهیم به دنبال کشورهای مکمل برای اقتصاد ایران بگردیم، باید به طرف کشورهای صنعتی شده برویم.

بخش سوم می‌گویند جمهوری روسیه در حال فروپاشی است و با اقتصاد ضعیف، نمی‌تواند به ایران کمک کند.

ما در ایران گروههای دوم و سوم را زیادتر می‌بینیم.

تأثیری که روابط ایران و روسیه در سطح بین‌المللی دارد نیز قابل توجه است و آن فشاری است که آمریکا و غرب و اسرائیل بر روسها وارد می‌کنند تا ایران و روسیه همکاری نداشته باشند. دومین سطح در روابط دو کشور در سطح منطقه‌ای است که بعد از سالها مشخص گردید ایران و روسیه در آسیای مرکزی، رقیب یکدیگر نیستند که حتی برای حل بحرانهای منطقه‌ای با یکدیگر همکاری دارند.

در بخش سیاسی دو طرف توافقاتی به دست آوردند، از جمله توافق کردند که هر سال دو بار وزرای خارجه دو کشور یکدیگر را ملاقات نمایند. در نهایت می‌شود

این طور بیان کرد که با اعتماد به نفس بیشتری می توان با روسیه وارد همکاریهایی در زمینه های مختلف شد، بویژه اینکه اندیشه های آسیایی - اروپایی بیشتر از اندیشه های غربی - اروپای خالص در روسیه طرفدار دارد.

فریده شایگان\*

### «تحریمهای اقتصادی شورای امنیت و حقوق بشر»

در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۷

شورای امنیت قبل از ۱۹۹۰ فقط در مورد رودزیا و آفریقای جنوبی متوسل به تحریمها شد. پس از آن مکرراً اقدام به وضع تحریمهای اقتصادی یا تسلیحاتی، و یا هر دو بر علیه عراق، لیبی، یوگسلاوی، لیبیا، رواندا، سودان، سومالی و غیره نموده است. بحث در مورد آثار زیانبار و ویرانگر تحریمهای اقتصادی شورای امنیت بر مردم بیگناه و بویژه بر آسیب پذیرترین گروههای جمعیت کشورهای تحت تحریم اقتصادی شورا، و همچنین در خصوص آثار سوء آنها بر کشورهای ثالث در دهه اخیر، بویژه در رابطه با عراق اوج گرفته است. مطالعات و تحقیقات انجام شده توسط مجامع مختلف در درون نظام ملل متحد و خارج از آن، حاکی از آن است که در بسیاری از موارد، مرگ و میر مردم بیگناه و بویژه کودکان زیر پنج سال به چند هزار نفر در هر ماه می رسد. به علاوه سوء تغذیه و عدم ارائه خدمات بهداشتی، کمبود دارو و سایر نیازهای پزشکی و غذا، نبود تجهیزات و لوازم تصفیه آب و در نتیجه شیوع امراض مسری، تورم و بیکاری فزاینده و فقر غیر قابل تحمل از نتایج تحریمهای اقتصادی شورای امنیت بوده است. این در حالی است که در بسیاری از موارد، تحریمهای اقتصادی نه تنها موفق به وصول به هدف خود که همانا تعدیل رفتار رهبران سیاسی دولتهای موضوع تحریم است، نشده اند، بلکه همان طور که پطرس غالی دبیر کل سابق سازمان ملل متحد اشاره کرده است، اقدامات غیرنظامی متخذه توسط شورای امنیت، زیانهای عمده برای کسانی